

# توانمندسازی و قدرت یابی

## شایسته کرمخانی

مددکار اجتماعی و جامعه شناس

به مناسبت بزرگداشت روز مددکار اجتماعی

اصطلاحات زیادی در رابطه با توانمندشدن افراد، گروه‌ها و جوامع شنیده ایم؛ توانمندسازی؛ قادر سازی، قدرت یابی، توانبخشی، خوداتکایی و غیره

در فرهنگ آکسفورد واژه‌ی توانمندسازی، قدرتمندشدن، ارائه خدمت و توانا شدن معنا شده‌است. در معنای خاص قدرت بخشیدن و دادن آزادی عمل به افراد برای اداره‌ی خود و انتخاب های زندگی‌شان .

این اصطلاحات و شماری دیگر با کمی تفاوت در معنا، مفهوم، و با جامعه هدف خاص، به یک مقصود خواهند رسید و تنها در شرایط و بستر خاص از مفاهیم

افراد ذاتا و به طور نسبی با توجه به ویژگیهای جسمانی، روانی و فیزیولوژیکی دارای توانایی ها، ظرفیت ها، استعدادهای ذاتی و... هستند .

توانمندسازی یا "empowerment" دادن قدرت به افراد نیست، افراد به واسطه استعداد، دانش و انگیزه خود به صورت نسبی صاحب قدرت هستند و در واقع توانمندسازی کمک به یافتن و دیدن این قدرت ها و پی بردن به توانایی ها و "آزاد سازی و یا آزاد کردن" آن است. آزاد کردن از بند ترسها، تجربیات منفی و ناکامی ها در رسیدن به اهداف مطلوب رها شدن از بند کلیشه های ذهنی و فرهنگی، رهایی از بند تصورات قالبی و شکل گرفته از دوران کودکی تا بزرگسالی، رهایی از باورمنفی و محدود کننده توانمندسازی یا قدرت یابی، استفاده بیشتر از قوه تشخیص و تحلیل و رسیدن به بصیرت و آگاهی عمیق است. قدرت یابی کمک به آزاد کردن نیروهای پنهان، اندیشه ها و قوه خلاق افراد است که بروز نیافته اند و مکنون باقی مانده اند؛ از ترس مفاهیمی همچون: نمیتوانم ها، نمیشودها، امکان نداردها و ده ها واژه محدود کننده دیگر که سرچشمه ناتوانی و بی قدرتی است .

قدرت یابی ظرفیتی را برای بهرمندی از توان خدادادی و استعدادهای بالقوه از سرچشمه توانایی های انسانی که شناخته نشده و یا از آن استفاده نشده است، در اختیار می گذارد. احساس توانمندی و قدرت یابی یک احساس درونی و ذهنی است مانند سایر مفاهیم و سازه های لنتزاعی مانند "خوشبختی" که نسبی و ذهنی است، لذا هر کسی از میزان خوشبختی خود تعبیر، تفسیر و برداشت متفاوت و خاصی دارد. و خوشبختی و رسیدن به سطحی از رفاه و آسایش را در چیزی تعبیر و تفسیر مینماید که خود تعبیر نموده و در واقع ر دنیایی سیر میکند که خود ساخته است. برای توانمندی و قدر یابی نیز این برداشت و معنا و برساخت ذهنی فرد بسیار تاثیر گذار است و برای مددکار اجتماعی شناخت این معنای زندگی و تفسیر ذهنی از قدرت و توانمندی "خود" بسیار مهم تر است. به همین خاطر است که در اطرافمان میبینیم افرادی با کمترین توانایی ظاهری و فیزیولوژیکی یا توانایی مالی به درجات بالایی از توانمندی و قدرت یابی رسیده اند زیرا با وجود انگیزه بالا و خود باوری، از حداقل ظرفیتهای استعدادهایشان حد اکثر استفاده و بهره را برده اند و به مطلوبیت نسبی در زندگی خود رسیده اند. این مفهوم اخیر "یعنی رضایمندی نسبی فردی و اجتماعی" سر منزل و هدف غایی مددکاری اجتماعی است که از آن به عنوان قدرت یابی، توانمندی، خودتکایی و استقلال فردی و اجتماعی یاد میکنیم.

در واقع مددکاری اجتماعی بدنبال این است که افراد به رضایتمندی فردی و اجتماعی برسند و با اعتماد به نفس قدرت و انگیزه بالا از دارایی ها و توانمندی ها که می توانند در جنبه های مختلف تعریف شود، استفاده برده و به قدرت یابی برسند.

در واقع مراحتی را که افراد در طی آن فرایند از نیازها، رنج ها، تمایلات، خواسته های درونی خود به بصیرت و آگاهی رسیده و انگیزه و جسارت دست یابی به هدف یا اهداف مورد نظر را در خود تقویت نموده و به همراه آن شایستگی ها و توانایی های لازم برای عملی ساختن آن را در خود ایجاد می نمایند راه "قدرت یابی و توانمندی می نامند و این فرایند به مدد تخصص و حرفه دانشگاهی مددکاری اجتماعی میسر است و به سر انجام می رسد

توانمندسازی شامل 5 مولفه مهم و اثر گذار است :

- احساس ارزش داشتن،(عزت نفس،تعهد،پذیرش و مسئولیت پذیری در تک تک افراد)
- حق مالکیت و تصمیم گیری (در تمامی عرصه های زندگی فردی،خانوادگی و اجتماعی)
- حق دسترسی برابر به فرصت ها و منابع
- حق و اراده کنترل بر زندگی
- تعامل اجتماعی و قدرت تاثیر گذاری بر سلامت و عدالت اجتماعی

قدرت یابی سر آغاز عاملیت است عاملیت چیزی فراتر از شخص و ویژگی‌های شخصیتی اوست ، عاملیت به میزان توانمندی شخص با اراده آزاد برای انجام کنش های مستقل فردی و اجتماعی اشاره دارد.

عاملیت یکی از مولفه های مهم در توانمندی و قدرت یابی افراد است .

عاملیت در مواجهه با بحران‌های مختلف اقتصادی ، اجتماعی زندگی افراد اهمیت بسزایی دارد زیرا فرد با اراده آزاد و بدون از محدودیت های فرهنگی ، جنسیتی ، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به انتخاب های مهم و تصمیم سازی بپردازد .

البته بسیار ضروری است که بدانیم عاملیت در کنار دو مولفه دیگر منجر به قدرت یابی کامل افراد و رشد و توسعه ی آنان می انجامد و آن دو مولفه منابع و دستاوردها هستند .

منابع می‌تواند حمایت یابی و شبکه گسترده خانواده و اجتماع برای حمایت همه جانبه عاطفی ، روانی ، مالی و... افراد باشد.

خانواده و شبکه خویشاوندان از مهمترین منابع پیرامون افراد بشمار می‌روند و می‌توانند تاثیر بسیار زیادی در حفظ ساختار فردی ، و روحی \_ روانی او ایفا نمایند و از زوال و فروپاشی همه جانبه او پیشگیری نمایند.

سازمانهای رفاهی از منابع مهم دیگر در قدرت یابی و توانمندسازی افراد به شمار می‌روند که با حمایت طلبی مدافعه گری ، برابری ، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی از طریق قوانین مدنی و ایجاد فرصتهای برابر بدون از هر گونه تبعیض و تعصب بستر را برای دسترسی افراد نیازمند و در حاشیه به اطلاعات ، امکانات فرصت های موجود فراهم نمایند و به استعداد های آنان اعتماد داشته باشند .

در واقع سطح دوم توانمند سازی از طریق مددکاری اجتماعی ، " اقدام اجتماعی " یعنی بستر سازی و ایجاد فرصت های برابر در سطح کلان برای تمامی افراد جامعه از طریق لوایح و قوانین مدنی میباشد

در گذشته مددکاری اجتماعی بیشتر بر روی نقاط ضعف و تشخیص مشکلات به عنوان یک بیماری اجتماعی و حل آنها داشت همچنین در گذشته تاکید زیاد بر پیشینه مشکل یا مشکلات بود . اما رویکرد های جدید توانمندسازی و قدرت یابی مسئله محور و بیشتر به مشکلات حال و اکنون با گریز بسیار کمی به گذشته و همچنین توجه زیاد به نقاط قوت و قدرت افراد دارد

یکی از رویکردهای مددکاری اجتماعی که ارتباط بسیار زیادی با مفهوم قدرت یابی دارد " رویکرد مبتنی بر توانایی و یا قدرت " با هدف شناخت و بازیابی و یافتن قدرت ها و توانایی ها و منابع افراد می‌باشد. این رویکرد یک رویکرد مراجع محور می‌باشد.

دیدگاه مبتنی بر توانایی یا قدرت ها در مددکاری اجتماعی، یک چارچوب نظری است که بر شناسایی و ایجاد نقاط قوت و منابع افراد، خانواده ها و جوامع تمرکز دارد. این رویکردی است که بر جنبه‌های مثبت موقعیت یک فرد تأکید می‌کند تا کاستی‌ها یا ضعف‌های او.

در مددکاری اجتماعی، دیدگاه مبتنی بر توانایی ها برای توانمندسازی مراجعان با کمک به آنها در شناسایی و استفاده از نقاط قوت و منابع ذاتی خود استفاده می‌شود.

مددکاران اجتماعی با تمرکز بر نقاط قوت مراجع می‌توانند به آنها کمک کنند تا به اهداف خود برسند و رفاه کلی خود را بهبود بخشند

این رویکرد می‌تواند به ویژه هنگام کار با افرادی که تروما یا سایر اشکال ناملایمات را تجربه کرده اند مؤثر باشد، زیرا به ایجاد انعطاف پذیری و ترویج استراتژی های مقابله ای مثبت کمک می‌کند.

به طور کلی، دیدگاه مبتنی بر توانایی ها ابزار ارزشمندی برای مددکاران اجتماعی است، زیرا بر اهمیت توانمندسازی مراجعان و قدرت یابی و منابع موجود آنها تأکید دارد.

از این دیدگاه در انواع محیط‌های مددکاری اجتماعی، از جمله مداخلات بالینی، مددکاری جامعه ای، و حمایت یابی استفاده می‌شود. می‌توان آن را برای کار با افراد، خانواده ها، گروه ها و جوامع به کار برد.

یکی از تکنیک های کلیدی مورد استفاده در این دیدگاه، قالب بندی مجدد است

این شامل تغییر تمرکز از جنبه‌های منفی یا مشکل ساز موقعیت مراجعان به نقاط قوت و ویژگی‌های مثبت آنها است.

به عنوان مثال، مددکار اجتماعی به جای تمرکز بر اعتیاد یا تشخیص سلامت روان مراجع، ممکن است بر انعطاف پذیری، اراده، یا سایر ویژگی های مثبت او تمرکز کند که می‌تواند به او در غلبه بر چالش ها کمک کند.

یکی دیگر از جنبه های مهم دیدگاه مبتنی بر توانایی ها، همکاری و مشارکت است. این مهم در اصول مددکاری اجتماعی نیز تحت عنوان اصل مشارکت مورد تاکید است.

دیدگاه مبتنی بر توانایی ها یک رویکرد مراجع محور است که بر توانمندسازی، همکاری و مثبت بودن تأکید دارد.

با استفاده از این رویکرد مددکاران اجتماعی، در کنار مراجعانشان برای شناسایی نقاط قوت، اهداف و منابع آنها کار می‌کنند و برنامه ای برای دستیابی به نتایج دلخواه خود ایجاد می‌کنند.

با مراجعان به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در فرآیند رفتار می‌شود تا گیرندگان منفعل خدمات.

دیدگاه مبتنی بر توانایی‌ها نیز بر اهمیت فروتنی و حساسیت فرهنگی تأکید دارد. مددکاران اجتماعی باید از سوگیری‌ها و مفروضات خود آگاه باشند و برای درک و احترام به زمینه‌های فرهنگی و تجربیات منحصر به فرد مراجعان خود تلاش کنند.

به طور کلی، دیدگاه مبتنی بر توانایی‌ها یک رویکرد مراجع محور است که بر توانمندسازی، همکاری و مثبت بودن تأکید دارد. با تمرکز بر نقاط قوت و منابع مراجعان، مددکاران اجتماعی می‌توانند به آنها کمک کنند تا به اهداف خود برسند و رفاه کلی خود را به گونه‌ای که محترمانه و از نظر فرهنگی حساس است بهبود بخشند.

با آرزوی موفقیت 25 دی ماه 1403